



آیا ترامپ با معرفی رابرت کندی به عنوان وزیر بهداشت پیام انتقام از طبقه حاکم آمریکا را ارسال کرده است؟

ترور و اشننگتن

جرج کانوی در سی‌ان‌ان: ترامپ گزینه‌هایی بهتر از این برای ویرانی آمریکا ندارد

صفحه ۷

تیتراهای امروز

گزارش «وطن امروز»: از نشست «جامعه‌شناسی مقاومت از نگاه اصحاب علوم انسانی»

نصر مقاومت



عملیات‌های موشکی، راکتی و پهبادی مقاومت با قدرت ادامه دارد

پهپادهای حزب‌الله در جنوب تل‌آویو

بعد از شکست کره‌شمالی مسیر تیم ملی به سوی جام جهانی هموارتر از همیشه است

۲ گام تا جشن صعود

«وطن امروز»: از اثر سیاست‌های ارزی بر قیمت کالاها گزارشی می‌دهد

سیگنال وارونه به بازار ارز

«وطن امروز»: از اثر سیاست‌های ارزی بر قیمت کالاها گزارشی می‌دهد

نگاه

ظهور بحران‌های ترکیبی علیه نتانیاهو

نوید مؤمن: طی روزهای اخیر شاهد تبلور بحران‌های متعدد علیه بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم اشغالگر قدس و همراهانش در کابینه این رژیم تورویست، کودک‌کش و جعلی هستیم. ماهیت ترکیبی این بحران‌ها و تبلور آنها در یک بستر زمانی واحد، ضرب آسپیدپذیری نتانیاهو، بن‌گور و اسموتیچ را تا حد زیادی افزایش داده است. پیش‌فرض‌ها و گمانه‌زنی‌های زیادی درباره چرایی تصاعد بحران‌های کنونی در کابینه نتانیاهو مطرح می‌شود که قدر متیقن همه آنها یک گزاره است: نتانیاهو در حال مواجهه با بحران‌های پیچیده و چندلایه‌ای است که قدرت مدیریت همزمان یا حتی جداگانه آنها را از دست داده است.

پس از برکناری گالات، شاهد ورود منازعه به آخرین و چهارمین لایه قدرت در اراضی اشغالی هستیم. در لایه نخست، شاهد شکل‌گیری دوگانه نتانیاهو - مخالفان سیاسی در داخل اراضی اشغالی بودیم. لایه دوم منازعه، معطوف به جدال نتانیاهو - گانتس در کابینه جنگ رژیم بودیم که به خروج گانتس و فروپاشی کابینه جنگ منجر شد. لایه سوم منازعه مربوط به جدال مستمر و تمام عیاری بود که طی ماه‌های اخیر میان نتانیاهو و گالات (وزیر جنگ کابینه رژیم صهیونیستی) شکل گرفت. گالات معتقد بود مثلث نتانیاهو - بن‌گور - اسموتیچ برداشت مستندی از میدان جنگ و فرامتن آن ندارد و کورکورانه اصرار بر بسط دامنه میدان جنگ در غزه و لبنان و امتیازگیری از حملات و حزب‌الله دارد. گالات تنها راه پیش روی نتانیاهو را دادن امتیازات سخت (تن دادن به آتش‌سپس روی رژیم وجود ندارد. برکناری گالات، مترادف با ورود نتانیاهو و رژیم اشغالگر قدس به چهارمین لایه منازعه بود: جدال میان احزاب ائتلافی!

طی روزهای اخیر نتانیاهو با عصبانیتی که نشأت گرفته از وحشت وی از ورود به لایه چهارم منازعه است، مدعی شد هرگز قصد ندارد ایتنار بن‌گور، وزیر امنیت رژیم اشغالگر قدس را بابت گزارش‌های محرمانه و آشکاری که درباره سرپیچی آشکار وی از قوانین اداری و امنیتی منتشر شده برکنار کند. همچنین اختلافاتی آشکار میان نتانیاهو و آریه درعی بر سر احتمال ناتوانی نخست‌وزیر رژیم اشغالگر قدس در لغو معافیت خدمت یهودیان خریدی به وجود آمده که نتانیاهو را در مرز میان بقای حداقلی و سقوط حداکثری از قدرت قرار داده است. لایه دیگر منازعه، میان نتانیاهو و سران احزاب ائتلافی در کابینه‌اش شکل گرفته و ادامه خواهد داشت.

ادامه در صفحه ۴

قوانین جدید کشورها برای حکمرانی مجازی

محمد رستم‌پور

«آقای زاگربرگ! دستان شما به خون آلوده است. شما محصولاتی عرضه کرده‌اید که مردم را به کشتن می‌دهد»؛ این جمله، بخشی از سخنان یک امام جمعه یا فرمانده پایگاه بسیج در ایران نیست، بلکه سخن لیندزی گراهام، یکی از اتفاقاً ضدایرانی‌ترین سناتورهای آمریکاست، در جلسه استماع کنگره ایالات متحده با موضوع تکلیف قانونی پلتفرم‌های رسانه‌های اجتماعی در حفاظت از حقوق کودکان؛ جایی که آمارها و مستندات حیرت‌انگیز دیگری هم طرح می‌شود. صاحبان پلتفرم‌ها اصرار دارند با ۳ روش گزارش کاربران، پایش اپراتورهای واحد اطمینان و ایمنی و سرویس‌های جدید هوش مصنوعی، تمام محیط رسانه‌ای با قابلیت‌های متعدد را که در فضای ارتباطی خصوصی یا عرصه گذاشته باشند، نمی‌توان به سلامت این فضاها برای کودکان اما همچنان نمایندگان کنگره آمریکا معتقدند اینها کافی نیست و تا زمانی که در قوانین کنونی اداره پلتفرم‌ها تجدیدنظر نشود و بویژه صاحبان این سکوها نسبت به محتوای منتشر شده، اعم از مکتوب و صوت و تصویر و حتی ارتباط زنده مسؤلیت اقدامات اضطراری هزینه کرده‌اند، در حالی که سال ۲۰۲۳ ۲۲ میلیون مورد در سال ۲۰۲۲ رسیده، یعنی ۷۷ برابر شده است. گزارش دیگری می‌گوید ۳۰ درصد مصرف‌کنندگان ماده مخدر کشنده فنتانیل، از طریق پلتفرم‌های مجازی توانسته‌اند به این قرص‌ها دست یابند. بی‌توجهی تعددی صاحبان سکوهایی مجازی به سلامت کودکان و نوجوانان، فقط زمانی آشکار می‌شود که کسی به قتل برسد یا خودکشی کند. این سکوها مدعی‌اند روی هم مبلغی نزدیک ۲ میلیارد دلار را برای آگاهی بخشی، کنترل محتوا، هشدار به والدین یا اقدامات اضطراری هزینه کرده‌اند، در حالی که سال ۲۰۲۳ ۲۲ میلیارد دلار از تبلیغات محصولاتی که مرتبط با کودکان و نوجوانان است، ۲۲ میلیارد دلار به دست آورده‌اند. بر اساس گزارشی از وال‌استریت‌ژورنال که مبتنی بر اسناد داخلی شرکت متا، شرکت مادر فیسبوک، واتس‌آپ و اینستاگرام به دست آمده، یک‌سوم دختران ۱۲ تا ۱۶ ساله کاربر اینستاگرام که نسبت به چهره و بدن خود حس منفی دارند، معتقدند استفاده از اینستاگرام این حس منفی را تشدید می‌کند. «آرتور پجار» از مدیران بخش پژوهش اینستاگرام می‌گوید ۴۰ درصد ۱۳ تا ۱۵ ساله‌های اینستاگرام در یک بازه زمانی ۷ روزه، به مقایسه منفی خود با دیگران می‌پردازند. با این همه، همچنان صاحبان سکوهایی مجازی تصریح می‌کنند عضویت در شبکه‌های آنها

سلامت روان را تهدید نمی‌کند. دولت‌ها در کشورهای مختلف با الگوهای مختلفی در تلاشند صاحبان این سکوها را نسبت به شهروندان خود مسؤلیت‌پذیر کنند. بنیاد و شکل و شمایل این مواجهه همیشه متأثر از عوامل مختلف سیاسی و اقتصادی بوده است. به صورت مشخص باید از ۳ الگوی مواجهه با پلتفرم‌های مجازی سخن گفت: در الگوی آمریکایی، اقتصاد سیاسی پلتفرم برجسته‌تر است و میزان درآمد، تعداد نفقات صاحب شغل، گردش مالی و حجم مالیات پرداختی است که شکل و الگو را می‌سازد. در الگوی اروپایی، حقوق سیاسی بیشتر مینا قرار می‌گیرد و چالش‌ها و مسائلی همچون حقوق شهروندان، میزان آزادی‌های ارائه شده در بستر پلتفرم و قواعد و قوانین زیست مبناسند. در الگوی چین و روسیه، بومی‌گرایی و حفاظت از داده‌ها و البته پاسخگویی در برابر دولت‌ها محل چالش است و در نهایت، در الگویی که شاید بتوان آن را الگوی چهارم نامید و هند، ترکیه و برزیل در آن برجستگی بیشتری دارند، اصرار بر تعهدات نمایندگان و دفاتر پلتفرم‌ها و نوعی سخت‌گیری با هدف کنترل اجتماعی به چشم می‌خورد. در تمام این الگوها، اصل تکلیف دولت‌ها در برابر رسانه‌های اجتماعی یک اصل لایتغیر و بدیهی است و تنها درباره کارایی هر یک از مواجهه‌ها بحث‌هایی شکل می‌گیرد.

تصمیم جدید دولت استرالیا برای ممنوع‌سازی حضور کودکان و نوجوانان زیر ۱۶ ساله در پلتفرم‌ها که مواردی از آن به شکل مقطعی در برخی کشورها وجود دارد، از این جهت مهم است که اولاً تمام کشورها نظم فکری و الگوی اجرایی حکمرانی مجازی مرسوم در سایر کشورها را لزوماً نمی‌پذیرند و در پی ساخت معماری و الگویی متناسب با ظرفیت‌های کشور خود هستند، حتی اگر از حیث تمدنی به صورت تام در غرب یا شرق جای گیرند. ثانیاً اجرای این اقدام درباره همه پلتفرم‌ها در حال رهگیری است و آن تفاوت‌گذاری میان سکوها یا رسانه‌های اجتماعی‌ای که شائبه سیاسی‌کاری یا گرایش حزبی ایجاد می‌کند، در آن راه نیافته است.

در حکمرانی مجازی، استرالیا، آمریکا، هلند یا هند، همه چین و روسیه‌اند؛ اگرچه هر نحو از حکمرانی باید متناسب با جغرافیا و تاریخ کشورها باشد. با این نگاه، جمهوری اسلامی ایران نباید حکمرانی مجازی خود بویژه درباره کودکان و نوجوانان را وانهد و صد البته کوشش کند سیاست‌گذاری مورد نظرش را به یک سلسله قوانین فراگیر و کارآمد تبدیل کند. فضای مجازی آنقدر مسأله و چالش و ملاحظه دارد که به یک سلسله قوانین نیاز داریم و نه لزوماً یک قانون. قانون حکمرانی را شفاف می‌کند و اتفاقاً سرمایه اجتماعی می‌سازد. قانون جامعه را جامعه می‌کند و نه تصمیمات محفلی پشت پرده‌ای که هیچ مسؤلیتی برای کسی نمی‌آورد. قانون بنویسیم.

این جملات چقدر آشناست!

محمدحسین مهدوی‌زادگان

صراحتاً استقلال راهبردی قاره سبز و واشنگتن را غیرممکن قلمداد می‌کردند. اکنون در حالی وارد سال ۲۰۲۵ میلادی می‌شویم که دونالد ترامپ، نامزد پیروز انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا با دستور کارهایی از جمله پایان دادن به جنگ اوکراین وارد عرصه سیاست خارجی کشور شده است. در چنین شرایطی مجدداً شاهد تکرار موضع‌گیری‌های بی‌خاصیت مکرون هستیم. اصل خواسته مکرون نشان می‌دهد وی حتی خود نیز ذهنیتی درباره نحوه استقلال راهبردی - امنیتی از آمریکا ندارد. رئیس‌جمهور فرانسه در دیدار با «مارک روت» دبیر کل جدید ناتو خواستار تسریع در توسعه دفاعی اروپا شد. از دید مکرون، این توسعه دفاعی باید در چارچوب قواعد درونی ناتو اما مستقل از آن تحقق یابد!

همان‌گونه که مسجل است، کاخ الیزه در حال خلق جملات پارادوکسیکال با هدف بهره‌برداری ابزاری از آنهاست. مواضع اخیر مکرون بدرستی اثبات می‌کند بالاخره مناسبات امنیتی تعریف شده در پیمان آتلانتیک شمالی محیط بر قواعد و خطوط قرمز ترسیم شده در بطن ارتش اروپایی خیالی مکرون و همراهانش خواهد بود یا خیر! از سوی دیگر، برخی اعضای پیمان آتلانتیک شمالی می‌گویند اصل تشکیل ارتش واحد اروپایی به معنای عبور از خطوط



بند دیگری است. قدر آن جملات مکرون آشناست! در دور اول ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ بارها مقامات اروپایی و در راس آنها مکرون بر لزوم استقلال راهبردی، اقتصادی و امنیتی از آمریکا تأکید کرده و تبلور اروپایی متحد را در گرو گذار از شرایط کنونی میسر دانستند اما همزمان با بیان این مواضع ظاهراً استقلال‌طلبانه، کاخ الیزه در قالب دیپلماسی پنهان و از مجاری غیررسمی سیاسی مشغول امتیازگیری از کاخ سفید در ازای عدم تکرار چنین مواضعی بود! رئیس‌جمهور فرانسه در بزرگراه‌هایی مانند تشدید جنگ اقتصادی آمریکا و اروپا یا درخواست آمریکا مبنی بر لزوم افزایش سهم بودجه کشورهای اروپایی در منظومه دفاعی ناتو، بلافاصله در مواضع آشکار خود بر لزوم تشکیل ارتش واحد اروپایی و استقلال اقتصادی اروپا از آمریکا سخن می‌گفت اما پس از چند هفته، در این خصوص سکوت می‌کرد. این سکوت زنده، خروجی یک معامله پشت پرده یا یک وعده از سوی کاخ سفید بود. نکته حائز اهمیت اینکه برخی کشورهای اروپایی مانند آلمان، حتی با وجود آگاهی نسبت به عدم عزم و اراده واقعی از سوی مکرون و همراهانش در کاخ الیزه در مستقل‌سازی اروپا از آمریکا، همین مواضع ساده و ظاهری را نیز برناتافته و

یادداشت
رئیس‌جمهور فرانسه این روزها بابت بازگشت ترامپ به کاخ سفید آرام و قرار ندارد! مکرون در ماه‌های منتهی به انتخابات ریاست‌جمهوری ماه نوامبر نیز بارها در مواضع آشکار و پنهان خود، بازگشت جمهوری‌خواهان (بویژه ترامپ) به کاخ سفید را خبری نامطلوب قلمداد کرده و پیروزی هریس و دموکرات‌ها در انتخابات ریاست‌جمهوری ۵ نوامبر را بهترین گزینه ممکن برای خود و اتحادیه اروپایی تصور می‌کرد. اخیراً مکرون در نشست سران جامعه سیاسی اروپا در بوداپست بر تمایل خود نسبت سران جامعه سیاسی اروپا در بوداپست بر تمایل خود نسبت به تقویت استقلال راهبردی قاره اروپا پس از انتخاب مجدد دونالد ترامپ تأکید کرد. او تصریح کرد اروپایی‌ها نباید امنیت خود را برای همیشه به آمریکایی‌ها واگذار کنند و باید بیشتر از «منافع» خود در برابر ایالات متحده و چین دفاع کنند. رئیس‌جمهور فرانسه در بخشی از جملات خود تأکید کرد: «ما توانایی نوشتن تاریخ توسط خودمان را داریم. آیا می‌خواهیم تاریخ نوشته شده توسط دیگران و جنگ‌های راه اندخته شده توسط دیگران را در زمینه‌های فناوری و تجاری بخوانیم یا اینکه می‌خواهیم خودمان تاریخ را بنویسیم؟»

چقدر این جملات مکرون آشناست! در دور اول ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ بارها مقامات اروپایی و در راس آنها مکرون بر لزوم استقلال راهبردی، اقتصادی و امنیتی از آمریکا تأکید کرده و تبلور اروپایی متحد را در گرو گذار از شرایط کنونی میسر دانستند اما همزمان با بیان این مواضع ظاهراً استقلال‌طلبانه، کاخ الیزه در قالب دیپلماسی پنهان و از مجاری غیررسمی سیاسی مشغول امتیازگیری از کاخ سفید در ازای عدم تکرار چنین مواضعی بود! رئیس‌جمهور فرانسه در بزرگراه‌هایی مانند تشدید جنگ اقتصادی آمریکا و اروپا یا درخواست آمریکا مبنی بر لزوم افزایش سهم بودجه کشورهای اروپایی در منظومه دفاعی ناتو، بلافاصله در مواضع آشکار خود بر لزوم تشکیل ارتش واحد اروپایی و استقلال اقتصادی اروپا از آمریکا سخن می‌گفت اما پس از چند هفته، در این خصوص سکوت می‌کرد. این سکوت زنده، خروجی یک معامله پشت پرده یا یک وعده از سوی کاخ سفید بود. نکته حائز اهمیت اینکه برخی کشورهای اروپایی مانند آلمان، حتی با وجود آگاهی نسبت به عدم عزم و اراده واقعی از سوی مکرون و همراهانش در کاخ الیزه در مستقل‌سازی اروپا از آمریکا، همین مواضع ساده و ظاهری را نیز برناتافته و

در شبکه‌های اجتماعی



@vatanemrooz

پيامک خوانندگان

۱۰۰۰۲۲۳۱

سلام وطن

۶۶۴۱۳۹۴۲